



ارائه شده توسط:

سایت ترجمه فا

مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده

از نشریات معتبر

## عرضه وام و حفظ درآمد در بانک های ایالات متحده قبل و بعد از بحران های مالی

چکیده :

مطالعات اولیه حاکی از آن می باشند که بانک ها دارای محرک های قوی برای استفاده از تسهیلات عرضه وام برای ثابت کردن و حفظ درآمد برخوردارند. با استفاده از یک نمونه شامل 878 بانک ایالات متحده در 2001 تا 2009، شواهدی قوی مبنی بر رفتار حفظ درامدی یافت شد. به علاوه، کمپانی های حامی بانک زمانی عرضه وام برای حفظ درآمد ها را تسریع می کنند که 1: بانک ها تابع هدف حداقل تنظیمی باشند 2: در دوره های رکود مالی نباشند و 3: سودآورتر باشند. همچنین من پی بردم که نسبت های سرمایه تنظیمی بانک ها برای تحریک رفتار حفظ درآمد با استفاده از عرضه وام مهم می باشند. مقایسه شکوفایی اقتصادی قبل از بحران 2002 تا 2006 با دوره بحران 2007 تا 2009 نشان داد که بانک ها از تسهیلات اعطای وام به طور جامع تر طی دوره بحران برای حفظ و ثابت نگه داشتن درآمد استفاده می کنند. مجموعاً، نتایج این مقاله مربوط به نگرانی های فعلی تنظیم کنندگان استاندارد های حسابداری و بانکی در مدل فعلی اعطای وام می باشد.

مقدمه

وضع کنندگان استاندارد های حسابداری بر اندازه گیری و شفافیت تسهیلات عرضه وام و برآورد و زمان بندی این عرضه ها تاکید می کنند. از نقطه نظر قانونی، تاکید بر این است که آیا اعطای وام برای پوشش دادن کاهش اعتبار مورد انتظار در طول حیات یک وام کافی است یا نه؟ همچنین ارزش و اعتبار قوانین فعلی برای توجیه کاهش اعتبار وام ها یکی از اصلی ترین نگرانی های حال حاضر می باشد. از زمان آغاز بحران های بانکی در اواخر 2007، وام های کلان موجب از هم گسیختگی ساختار اعطای وام در بانک ها شده است. سران G20 در اجلاس آوریل 2009 بر تقویت قوانین بانکی تاکید کردند. آنها توصیه کردند که وضع کنندگان استاندارد های حسابداری با قانون گذاران بانکی برای بهبود استاندارد های اعطای وام همکاری کنند. با توجه به تشدید فشارها در خصوص موضوع اعطای وام در بحران های مالی 2007، به بررسی این که آیا کمپانی های حامی بانک های ایالات متحده تحت تاثیر محرک های حفظ درآمد طی 2001 تا 2009 قرار می گیرند یا نه می پردازیم. به علاوه به بررسی میزان تغییر رفتار حفظ وام و کاهش نوسانات آن پرداختیم.

ابتدا به پیش بینی و یافتن شواهد تجربی قوی برای کاهش نوسانات درامدی با استفاده از اعطای وام پرداختیم. درآمد ها، ارتباط معناداری با اعطای وام ها بعد از کنترل محرک های مدیریت سرمایه مربوط به موسسات مالی دارند. به علاوه، پی برده شد کمپانی های حامی بانکی مشارکت و نقش فعالی در کاهش نوسانات درامدی با رفع ملزومات سرمایه ای دارند. بر طبق تست های مختلف، بانک ها دارای اهداف قانونگذاری نسبت به دیگر موسسات جهت کاهش نوسانات و حفظ سرمایه هستند. همچنین پی برده شد که بانک تمایل به تاخیر انداختن نوسانات نزولی درآمد ها می باشند. از سوی دیگر، تسهیلات اعطای وام به طور گسترده ای برای کاهش نوسانات درامدی طی بحران های مالی استفاده می کنند.

این مقاله شواهد مناسبی در خصوص تسهیلات اعطای وام بانک ها به چندین طریق در اختیار می گذارد. ابتدا شواهدی را ارائه خواهیم داد که در مدل اعطای وام با دفتر استاندارد های بین المللی برای تغییر قوانین حاکم بر اعطای وام به کار می روند. تسهیلات عرضه وام همه نوع خسارات و رکود های اقتصادی را در نظر می گیرد و این در حالی است که مراکز مقننه در برابر رکود های غیر قابل پیش بینی به طور خنثی عمل می کنند. اگرچه فرایند دور تجاری همان تمایل بانک ها برای افزایش وام دهی در دوره های رشد اقتصادی می باشد، مدل های فعلی اعطای تسهیلات وام تحت اصول حسابداری و استاندارد های تهیه گزارشات مالی بین المللی تمایل بانک ها برای افزایش یا کاهش عرضه وام طی دوره های رکود را تقویت می کنند. در دوره های رکود، سرمایه حالت بسته دارد و بانک ها قادر به افزایش سود سهام خارجی نمی باشند. از این رو، رکود های اساسی در دوره های کاهش توان خرید و عرضه و تقاضا منجر به تشدید شدن قوانین قیمت گذاری و دیگر رویکرد های تنظیمی می شود. لذا در این میان، قانون گذاران بانکی از وضع کنندگان استاندارد های حسابداری برای در نظر گرفتن تغییرات در حسابداری برای عرضه وام بهره می برند. دوما در این جا از نسبت سرمایه قانونی به عنوان عامل شاهد برای محرک های مدیریتی سرمایه مربوط به بانک ها استفاده می کنیم. در این جا نسبت سرمایه ها به دو مولفه اصلی تقسیم می شود. سرمایه، شمارشگری است که تحت تاثیر سهام حسابداری و دارایی های وزنی ریسک، شمارشگری است که دارای عناصر حسابداری و ریسک دارایی می باشد. چنین تجزیه ای می تواند اثرات سرمایه تنظیم کننده در برابر دارایی های وزنی بر تسهیلات عرضه وام و استفاده نسبی از هر کدام برای مدیریت

عرضه روشن کند. سوما، به بررسی اهمیت نسبی نسبت های سرمایه های داخلی خاص هر بانک در برابر نسبت تنظیم کننده توسط شرکت بیمه سپرده های فدرال پرداختم. نهایتاً این که این مقاله شواهد خوبی در خصوص الگوهای کاهش نوسانات درآمد و مدیریت سرمایه قبل و بعد از بحران مالی اواخر 2007 در اختیار خواهد گذاشت.

این مقاله به صورت ذیل سازماندهی شده است: بخش 2 پیش زمینه ای از مطالعه در اختیار می گذارد. فرضیه در بخش 3 بحث می شود. طرح پژوهشی در بخش 4 بحث خواهد شد. بخش 5 نمونه ها و داده ها را معرفی کرده و بخش 6 نتایج تجربی را در اختیار می گذارد و در بخش 7 نتیجه گیری کلی ارائه میشود.

### تشخیص حسابداری برای عرضه وام

بر طبق GAAP ایالات متحده، تشخیص عرضه وام تحت نظارت استاندارد های حسابداری مالی شماره 5، حسابداری برای شرایط اضطراری، SFAS شماره 114، حسابداری بوسیله اعتبارسنجان اعطای وام 1993 می باشد. مسولیت و کشف صلاحیت اعطای وام در موارد کاهش اعتبار در صورتی لازم است که احتمال وارد آمد رکود و خسارت بر دارایی وجود داشته باشد و یا این که بدهی در تاریخ سررسید های مالی تحمیل شود و یا زمانیکه بتوان میزان خسارت را برآورد کرد. بر طبق استاندارد های مالی، ریسک ها و عدم قطعیت ها به بحث راجع به ماهیت برآوردها در فرایندهای حسابداری می پردازند. لازم به ذکر است که ایجاد و ارائه فرضیات مطمئن در خصوص رویداد های آینده در دوره های پایدار اقتصادی و نیز حتی در دوره های تزلزل و رکود بسیار سخت است. از این رو، مدل فعلی مورد استفاده در ایالات متحده به صورت مدل خسارت تحمیل شده عنوان شده است که در باره رکود رویدادهای مورد نظر در دوره های حسابداری آینده در فرایندهای عرضه لحاظ نشده است.

اگرچه تدوین نامه SFAS شماره 5 و 114 و FSAB قوانین مفصلی برای تشخیص و اندازه گیری عرضه وام در اختیار گذارده است، با این حال برخی فرایندهای تشخیص قابلیت عرضه وام از مشخصه های ذاتی محسوب می شود. به علاوه می توان در مورد زمان اتخاذ تصمیم گیری درباره محتمل بودن رکود و نیز برآورد منطقی قضاوت کرد. از این گذشته استفاده از تفاسیر غیر دقیق در خصوص FASB موجب به وجود آمدن آریبی در توجیه شرایط عرضه وام خواهد شد. کمیسیون امنیت و بورس اوراق بهادار بر اهمیت مستندات کافی در روشهای بازنگری عرضه وام و نیز تعیین مقدار

مقرری وام‌ها در بانک‌ها در گزارشات درآمدی تاکید کرده‌اند. نظام روبه‌ای در تعیین مقرری و عرضه وام بایستی گزارش شود. در سال 2001، SEC منشور حسابداری کارمندان را در خصوص مسائل مستند و روش‌های عرضه وام برای اندازه‌گیری عرضه وام‌های خصوصی و عمومی ارائه کردند. حتی بعد صدور SAB شماره 102، برخی شرایط در عرضه وام‌ها لحاظ شد که به موجب آن بانک‌ها بایستی میزان خسارات و نیز وام‌ها را بر اساس میزان گردش حساب هر گروه اعمال می‌کردند. به همین ترتیب تسهیلات عرضه وام شامل فاکتورهایی می‌باشد شرایط و صلاحیت کافی در فرایند‌های عرضه را برجسته تر کنند. نخستین فاکتور تصمیم‌گیری در خصوص چگونگی پروه بندی و ارزیابی از نظر جمع پذیری و بر اساس نوع وام، وضعیت بازپرداخت گذشته و درجه ریسک می‌باشد. ثانیاً مدیران در تعیین دیگر معیارهای در نظر گرفته شده هنگام تثبیت قالب‌های زمانی مناسب جهت ارزیابی میزان تضرر نیز نقش ایفا می‌کنند. نهایتاً این که برخی فاکتورهای کیفی دیگر نظیر صنعت، شرایط جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی نیز در این زمینه وجود دارند که مدیران بایستی از آنها برای ارزیابی میزان خسارت استفاده کنند.

## 2-2 محیط تنظیم کننده

سرمایه Tier 1 یکی از معیارهای اندازه‌گیری شبه سهام میزان سرمایه است. این معیار شامل سرمایه مرکزی است که بیانگر سهام دفتری، ذخایر درآمدی غیر مجاز خاص و دارایی‌های ناملموس به علاوه نرخ بهره حداقل و دیگر ایت‌ها است. Tier 2 معیار اندازه‌گیری شبه وام سرمایه است. که شامل وام‌ها و بدهی‌های تابعه، به علاوه اوراق دائمی تجمعی و ذخایر خاص می‌باشد. متغیر نوع سوم متشکل از وام‌ها و بدهی‌های تابعه کوتاه مدت می‌باشد. مقدار این متغیر معمولاً بسیار پایین است. سرمایه کل خطر بنیان مجموع هر سه متغیر سرمایه بعد از برخی تعدیلات است. بانک‌ها بایستی حداقل نسبت چهار و هشت درصد را برای سرمایه‌های نوع 1 و 2 تخصیص دهند.

بر طبق fdic، مقرری مورد نیاز برای وام‌ها معمولاً از سرمایه tier 1 تفریق می‌شود. از آنجا که این متغیر و محاسبات آن بر اساس ثبت دفتری است می‌توان از مقرری خاصی برای شرایط مالیات بنیان بهره برد. سپس هنگام محاسبه نوع 1، مقدار مقرری وام برای نوع دو بر اساس شرایط قبل از گرفتن مالیات تا حد 1.25 درصد دارایی وزنی ناخالص افزوده خواهد شد. تاثیر اصلی در این زمینه افزایش سرمایه ریسک بنیان و تعداد دفعات برای وام‌ها می‌باشد. از این رو از آنجا

که مقرری وام‌ها تنها در سرمایه نوع 2 تا 1.25 درصد دارایی ناخاص قابل تعمیم است، مقرری اضافی را نمی‌توان در شمارشگر گنجانده. هنگام تست تاثیر عرضه وام بر روی درآمد‌ها، بایستی اثرات بر روی سرمایه تنظیم‌کننده را کنترل کرد. برای هر جزء از نسبت سرمایه، تعدیلات مناسب برای سرمایه و دارایی ریسک بنیان لازم است.

### 2-3 مشکلات دور تجاری

بر طبق GAPP ایالات متحده، مدل خسارت تحمیل شده برای تعیین میزان مقرری در وام‌ها استفاده می‌شود. این مدل به صورت گذشته‌نگر بوده و بر اساس داده‌های کلاسیک می‌باشد. استاندارد‌های حسابداری حال حاضر از رویکرد‌های پایدار مدل‌های تحمیلی به حساب می‌آیند. طی دوره رکود، بانک‌های با سرمایه کم با کاهش بودجه در تقسیم سهام مواجه شده و که تنها با سرمایه‌گذاری‌های خارجی می‌توان این مسئله را توجیه کرد. فشار کاهش سرمایه همراه با هزینه‌های قانونگذاری ممکن است منجر به کاهش انعطاف‌پذیری در اجرای عملیات شود. به علاوه، تاخیر در فرایند‌های عرضه وام موجب تورم سرمایه‌های تنظیم‌کننده بدون وجود مسائل می‌شود. از این رو بانک‌ها از روش دور تجاری مارپیچی استفاده می‌کنند.

### فرضیه

این بخش با مبحث مدیران به عنوان محرک عرضه وام برای کاهش نوسانات درآمدی خواهد پرداخت. سپس دور تجاری در قوانین اعطای وام برای تشکیل فرضیاتی در دوره‌های قبل و بعد از بحران بررسی می‌شود.

### فرضیه کاهش نوسان درآمد

شریو و نال 2003 همبستگی و ارتباط مثبت درآمد با عرضه وام را به استفاده از تشخیص مدیریت بانکی در تعیین میزان وام و زمان ارائه آنها نسبت دادند. مطالعه قبلی هیچ نشانه‌ای از این فرضیه را ارائه نکردند. ما در این جا به بررسی مجدد عرضه وام‌ها جهت کاهش نوسانات درآمد در چند سال اخیر بحران مالی پرداختیم. به دلیل ماهیت منحصر به فرد بانک‌ها، تست‌ها را با کنترل متغیرهای سرمایه‌ای و محرک‌های عرضه وام اصلاح کردیم.

**فرض 1** درآمد‌ها دارای همبستگی مثبت با عرضه وام سال آینده می‌باشند.

بیکر و متزمکر شواهدی را مبنی بر دور تجاری عرضه وام برای کاهش نوسانات درامدی در اختیار گذاشتند. لیو و ریان 2006، نشان دادند که بانک ها طی دوره های تورم کاهش عرضه وام های خسارت را در پیش می گیرند. بر همین منوال، تصور بر این است که BHS موجب به تعویق افتادن عرضه برای حفظ و ثبات درآمد طی دوره های رکود و تسهیل اعطا در دوره های تورم می شوند. فرضیه زیر برای همین منظور سازماندهی شده است:

در صورت وجود همبستگی بین درآمد ها و وام سال بعد، در دوره های رکود اقتصادی این همبستگی منفی خواهد بود. بر طبق یافته های لیو و ریان 2006، بانک های با سود بیشتر طی دوره رونق اقتصادی 1990، دارای روند تغییرات نزولی در میزان درآمد بودند. از این رو، پیش بینی می شود که BHS های با سود بیشتر بتوانند عرضه وام ها برای کاهش نوسانات درامدی را تسریع کنند.

فرض سوم: در صورت وجود همبستگی بین درآمد ها و عرضه وام یال بعد، این همبستگی برای کمپانی های حامی بانک ها مثبت خواهد بود.

استفاده از درآمد های بانکی به عنوان بخشی از سهام و به دنبال آن سرمایه های تنظیم کننده، می تواند قالب کاری تجربی منحصر به فردی در اختیار بگذارد طوری که بانک های با محدودیت سرمایه برای دست ورزی درآمد تشویق شده که در متغیرهای سرمایه ای به عنوان شیوه مدیریت بانک های تحت بحران مالی شناخته می شود. از این رو این فرض را می توان به صورت ذیل بیان کرد:

در صورت وجود همبستگی بین تغییر در درآمد ها و عرضه وام آینده، این همبستگی در بانک های مختلف زیر نسبت سرمایه و نیز نسبت های بالاتر متغیر خواهد بود.

د راین جا از دو محرک جایگزین محدودکننده سرمایه بهره برده شده است. بر طبق نظریات احمد و همکاران 1999، بانک ها با هزینه نقش قانون سرمایه حداقل توسط FDIC مواجه می باشند. از این رو نخستین معیار مورد اندازه گیری استفاده از Tier 1 با نسبت 4 درصد برای بانک های با سرمایه کافی می باشد. دومین معیار، استفاده از Tier 1 قانون داخلی بانک ها می باشد. استفاده از دومین مورد با شواهد اهداف خاص بانک همخوانی دارد.

فرضیات دوره های قبل و بعد از بحران

بر طبق نظریه بیکر و متزامکر و لیا 2009، رفتار عرضه وام تا حد زیادی دور تجاری است. به علاوه، عرضه وام برای کاهش نوسانات درامدی طی دوره رونق اقتصادی 1990 مورد توجه بوده است. پیش بینی می شود که رفتار تنظیم سرمایه و کاهش نوسانات درامدی بانک ها طی دوره های بحران 2002 تا 2006 متفاوت باشد. لذا تصور بر این است که بانک ها عرضه وام را برای روند صعودی نوسانات درامدی به تعویق می اندازند.

همبستگی بین درآمد و عرضه وام سال بعدی در دوره های بحران مالی نسبت به دوره های رونق کم تر برجسته شده است.

### طرح پژوهشی

مدل رگرسیون ذیل برای بررسی فرض 1 از کاهش نوسانات درامدی استفاده می شود:

$$LLP_{it+1} = \beta_1 + \beta_2 NIA_{it} + \sum_{j=1}^n \beta_j Controls_{jit+1} + \varepsilon_{it}$$

که  $LLP_{it+1}$  عرضه وام بر دارایی های متوسط برای شرکت  $i$  در سال  $t+1$  و  $NIA_{it}$  نسبت درآمد خالص قبل از ایتیم های خارق العاده، مالیات ها، و عرضه وام بر دارایی است. برای ضریب  $NIA_{it}$  یک علامت مثبت پیش بینی می شود. هر دو ضریب فوق برای تست محرک تجمعی نوسانات درامدی و نیز محرک های تنظیم کننده استفاده شدند.

اولین متغیر سطح سرمایه TIER 1 تعدیل شده برای وام ها و توسط دارایی کل برای شرکت  $i$  در سال  $T$  تعیین می شود. دومین متغیر سطح دارایی وزنی ریسک می باشد. این متغیر برای توجیه اجزای دیگر و معیارهای اندازه گیری استفاده میشود. مشکلات مختلف در این زمینه نشان می دهند که مدیران از اشتیاق کم تری برای ریسک کردن نسبت به سهامداران برخوردارند. این می تواند ناشی از مواجه شدن مدیران با هزینه های بالا هنگام نقض برخی قوانین و یا در صورت ورشکستگی باشد. مطالعات قبلی بر تناقض بین مدیران و سهامداران در اتخاذ رفتار ریسک بانکی اشاره کرده اند.

انتظار می رود که سطح دارایی های خطر همبستگی مثبت و معنادار با عرضه وام داشته باشد. در صورتی که عرضه وام قبل از دوره بحرانی افزایش یابد، بانک هائی توانند عرضه را بدون تحمیل برخی هزینه های هنگفت استطاعت کنند. از



سوی دیگر وقتی محصول  $CAP_{it}$  و  $RWA_{it}$  در نظر گرفته می شوند می توان متغیر توجیهی برای نسبت سرمایه TIER1 در نظر گرفت.

مطالعت قبلی به تفکیک اجزای عرضه وام با کنترل عناصر متغیرهایی پرداختند که این متغیرها فاقد قابلیت تشخیص صلاحیت برای عرضه وام بودند. در این جا از 3 متغیر شاهد به عنوان شاخص های این اجزاء در عرضه وام بهره برده شد. اولین متغیر شامل تغییر در انحراف معیار سور سهام بازگستی بانک هاست که یک معیار اندازه گیری اصلی برای برآورد بازار بورس می باشد. یکی از مشکلات اصلی این معیار اندازه گیری این است که نسبت سود بر سرمایه اصلی و فراربت آن یک معیار خطا برای همه فعالیت های بانکی محسوب می شود. دیگر دو متغیر شامل تغییرات در وام ها و تغییرات در 100 درصد وام های ریسک بنیان وزنی است. از ویژگی های مهم این تغییرات در متغیر دومی وجود پروکسی برای خطرات حاشیه ای عرضه وام و نیز کیفیت برخی تغییرات در بزرگی آن است. استفاده از چنین متغیری ممکن است ما را مجبور به حذف برخی توجیهات تعدیل وام توسط بانک ها برای توجیه میزان ریسک کند. در برخی آنالیزهای عدم قطعیت و حساسیت، از پروکسی های دیگری برای توجیه اجزا عرضه وام استفاده می شود. ما در این جا از تغییرات وام های غیر قابل پرداخت نسبت به دارایی کل بهره بردیم. همچنین از نسبت تغییرات تک تک وام ها برای وام های صنعتی و تجاری برای بررسی ترکیب و انسجام آن ها استفاده شد. به علاوه در دیگر آنالیز حساسیت؛ به کنترل احتمالاتی پرداختیم که میزان ریسک بانک ها را توجیه می کردند. معیارهای اندازه گیری دارایی بنیان در صورتی مفید خواهند بود که بتوان درجه ریسک را برای همه اوراق ثبت دفتری تعیین کرد. این متغیر می تواند همبستگی مثبت خوبی با عملیات عرضه وام توسط بانک ها داشته باشد. اندازه بانک به صورت لگاریتم طبیعی دارایی کل برای حصول اطمینان از نتایج تاثیرات مولفه های بانکی بیان می شود. با استفاده از متغیر عرضه وام می توان مدیریت سرمایه را با لحاظ کردن تغییرات در فعالیت های درآمد زایی کنترل کرد. متغیرهای توجیه بورس برای تعیین میزان وام و نیز مقدار مالیات بر ارزش افزوده توسط کل دارایی استفاده می شوند. از سوی دیگر، متغیرهای جریانهای توسط دارایی متوسط تعیین می شود. ما در این جا از مقادیر متغیر وابسته و مقادیر متغیرهای مستقل برای اجتناب از مشکلات بالقوه بهره می بریم.  $CAP_{it}$ ,  $RWA_{it}$ ,  $SIZE_{it}$ ,  $\Delta STDEQ_{it+1}$  همگی دارای مقادیر مثبت هستند. به خصوص افزای

شدر نوع سرمایه TIER 1 اشاره به قابلیت استطاعت سرمایه موجود برای ارائه وام دارد. برای متغیرهای بعدی، افزایش در دارایی وزنی، اندازه و انحراف معیار سرمایه ها، و رشد ریسکی وام اشاره به افزایش در ریسک اولیه دارد. از این رو، لزوم عرضه وام برای توجیه ریسک در این معیارها کاملاً مشهود است. ما به بررسی این موضوع پرداختیم که آیا BHC ها برای کاهش نوسانات درآمدی هنگام رکود و رونق مناسب هستند یا نه؟ از این رو  $REC_{it}$  را در صورت رکود برابر 1 و در صورت رونق سال برابر صفر قرار دادیم. سپس  $NID_{it}$  در صورتی که درآمد خالص بیش از میانه BHC بالا بود برابر با 1 و در غیر این صورت صفر فرض شد. انتظار می رود BHC بتواند عرضه وام را برای کاهش نوسانات درآمد در سال غیر رکود تسریع کند.

مدل های رگرسیون برای تست این فرضیات به شرح ذیل هستند:

$$LLP_{it+1} = \beta_1 + \beta_2 NIA_{it} + \beta_3 REC_{it} + \beta_4 NIA_{it} \times REC_{it} + \sum_{j=1}^n \beta_j Controls_{jit+1} + \varepsilon_{it}$$

$$LLP_{it+1} = \beta_1 + \beta_2 NIA_{it} + \beta_3 NID_{it} + \beta_4 NIA_{it} \times NID_{it} + \sum_{j=1}^n \beta_j Controls_{jit+1} + \varepsilon_{it}$$

برای تست این که آیا مدیریت درآمد توسط بانک ها تشدید می شود یا نه؟ از متغیر  $Tit$  در صورت کمتر بودن بانک ها از درآمد هدف برابر با 1 و در غیر این صورت صفر استفاده کردیم. در صورتی که بانک ها پایین تر از سطح استانه قرار گیرند، ممکن است خسارات قابل توجهی را تجربه کنند. از این رو معیار  $T1_{it}$  از چگونگی کار بانک ها برای کاهش نقض مقرارت بانکی پرده برداشته است.

مدل 1 و 3 برای تست فرض h2 در نمونه های قبل و بعد از بحران مالی مورد استفاده قرار می گیرد. در همه تست ها، می توان از مدل ثابت برای تفاوت های ناشی از بانک و سال جهت حصول اطمینان از معنادار بودن سطوح در سری های زمانی و باقی مانده ها استفاده کرد.

نمونه و داده ها

نمونه شامل کمپانی های حامی بانک ایالات متحده برای دوره سال 2001 تا 2009 بود. داده ها از گزارشات FR Y-9C بایگانی شده در امریکا حاصل شد. شناسایی داده ها در این گزارش ها بر اساس کد فدرال موسوم به RSSD ID انجام شد. خصوصیت منحصر به فرد این مجموعه داده ها این است که دارای قالب کاری تنظیمی در گزارشات FR بوده و داده های مالی مربوط به مقدار سهام و دارایی را شامل می شود. مجموعه داده های نهایی شامل گزارشاتی هستند که برای تعیین سهام حسابداری و نیز تغییرات سالانه کاربرد دارند.

داده های بازاری مربوط به سود برگشتی سهام ا مرکز تحقیقات قیمت ها بدست آمد. ما از داده های سود سهام برای تعیین انحراف معیار در تست های تجربی استفاده کردیم. کمپانی های حامی بانک در CRSP بر طبق کد های خاص شناسایی می شوند. این کدها بیانگر شماره شناساگر شرکت ها در پایگاه داده سانی CRSP هستند. جهت کسب مجموعه داده های جامع، از BHC در حسابداری و داده های بازاری بهره می بریم. شرکت های حامی بانک برای گنجانده شدن در این نمونه بایستی از نظر اماری مطابق با دو معیار باشند: 1: باید دارای داده های حسابداری قابل دسترس در گزارشات FR Y-9C با ذخایر فدرالی، 2: دارای داده های تنظیمی باشند و 3: دارای داده های سود بر هزینه در CRSP باشند. نتایج حاصله در این بخش با مشکلات دور تجاری و مناظره های مربوط به عرضه وام در بحران های مالی همخوانی دارد. در این جا به محدود کردن نمونه های BHC با داده های یک ساله جهت کاهش اثرات اریبی پرداختیم. در این بخش ماده به بررسی اماره های توصیفی هر نمونه پرداخته ایم.

عرضه وام در دوره بحرانی می تواند اثرات بخصوصی بر درآمد ها و سرمایه ها بگذارد. در پنل A، عرضه متوسط وام برای نمونه های bhc حدود 27.55 درصد گزارش شده است که از کل درآمد خالص محسوب می شود. نسبت میانگین این وام برای سال های مختلف آمده است.

جدول 2 اماره های کلیدی توصیفی برای داده های نمونه سالانه در اختیار می گذارد. این وام ها حدود 42 درصد کل دارایی را شامل می شوند. میانگین کل سرمایه حدود 9.4 درصد است در حالی که میانگین نسبت دارایی به میانگین کل 72.4 درصد گزارش شده است. حداقل عرضه وام نسبت به دارایی متوسط برای بانک های مورد مطالعه -3.77 درصد بود. عرضه های منفی از این جهت حاصل می شوند ک زیرا فرایند های ریکاوری و بازیابی موجب کاهش تعادل

سرمایه ای در بانک ها خواهد شد. جدول 3 ضرایب همبستگی پیرسون بین داده های نمونه را نشان می دهد. همبستگی های بین متغیرهای وابسته و همه متغیرهای مستقل معنادار گزارش شده است. همچنین بین عرضه وام و هر یک از اجزای نسبت سرمایه همبستگی وجود داشت. به علاوه این همبستگی مثبت بین تک تک معیارهای اندازه گیری خطر و انحراف معیار و نیز نسبت یود به دارایی و عرضه وام وجود داشت. این یافته ها با یافته های مطالعات قبلی هم خوانی دارد. شواهد قبلی حاکی از وجود همبستگی مثبت بین وام و نسبت سرمایه نوع 1 می باشد. با این حال، نتایج تجزیه حاکی از همبستگی مثبت بین رشد وام و جزء دارایی وزنی است. از سوی دیگر، این رشد همبستگی منفی با جزء سرمایه دارد. نتایج همبستگی مثبت بین عرضه وام و تغییر در عملیات با شواهد مطالعات قبلی هم راستاست. همچنین همبستگی منفی بین عرضه وام و تغییر در موارد امنیتی وام ها توسط نتایج مختلف نشان داده شده است. برای ارجاع رفرنس مناسب ما از مدل اثرات ثابت و خوشه بندی آن توسط هر شرکت استفاده کردیم. در صورتی که کمپانی های حامی بانک از عرضه وام برای کاهش نوسانات و تغییرات درآمد استفاده کنند، انتظار ضریب مثبت معناداری می رود. علائم ضرایب متغیر توجیهی مثبت است. ضریب متغیر رشد دداری علامت منفی است. به علاوه همبستگی مثبت معنادار بین وام های 10 درصد ریسکی و عرضه وام انتظار می رفت. به منظور بررسی قابلیت تکرار نتایج ما از نسبت سرمایه جایگزین توسط fdic به میزان 6 درصد برای همه بانک ها استفاده کردیم. یافته های مختلف هیچ گونه شواهد معناداری مبنی بر پایین بودن سطح بانک ها جهت افزایش نوسانات نشان نداده اند.

#### شواهدی مبنی بر رفتار عرضه وام طی دوره های قبل وبعد از بحران و شکوفایی اقتصادی

ستون 1 در جدول 5 نشان میدهد که BHC موجب تسریع در عملیات اعطای وام طی دوره شکوفایی می شود که ضریب مثبت نشان داده شده نیز این را نشان می دهد. با این حال طی، دوره های بحران مالی، BHC موجب تاخیر در اعطای وام می شوند. مجموعاً نتایج تجربی حاکی از آن است که تسریع عرضه وام برای کاهش نوسانات درآمدی طی دوره های بحرانی کم تر است و رابطه بین سرمایه های تنظیمی و عرضه وام طی دوره های بحران نالی نسبت به پیش از آن دوره نمود کم تری دارد.

نتیجه گیری

در بحبوحه مباحثات بين قانونگذاران بانكي و احزاب وضع كننده استاندارد هاي حسابداري، اين مقاله به بررسي شواهدى در خصوص محرک هاي مورد استفاده براي تعيين شرايط اعطاي تسهيلات بانكي براي مديريت سرمايه و نيز کاهش نوسانات درامدى مي پردازد. قانون گذاران بانكي با توجه به اقتصاد راکد بعد از بحران مالي 2007، در مورد اين که استفاده از عرضه وام هاي کلان موجب تشديد مشکلات دورتجاري سرمايه بانكي مي شود به شدت ابراز نگراني کرده اند. لگرچه عوامل متعددى در اين زمينه گزارش شده است، با اين حال وضع کنندگان استاندارد هاي حسابداري و مزايده گران تصميمات خود را اغلب بر اساس رويداد هاي احتمالي آينده اتخاذ مي کنند. تنظيم کنندگان استاندارد هاي حسابداري در مورد شفافيت در مستندات برآورد وام براي کاهش نگراني هاي درامدى و مديريت سرمايه تاکيد کرده اند. با اين حال مدل فعلى عرضه هاي آينده را تحت رويکرد هاي مختلف بررسي کرده است به طور کلي اين مطالعه نشان داد که عرضه وام به طور معناداري تحت تاثير محرک هاي کاهش نوسانات درامدى است. تاثير کاهش نوسانات درامد بر عرضه وام بانكي زماني تشديد خواهد شد که بانک ها تابع مقررات پيش نويش نباشند و اين که داراي سود آوري بالايي باشند. بانک ها داراي محرک هاي درامدى براي به تاخير انداختن فرايند هاي عرضه طي دوره هاي نياز هستند. بانک ها داراي سيستم هاي هدف گذاري داخلي براي کاهش نسبت نوسانات هستند و طي دوره قبل از بحران 2007، بانک ها عمليات عرضه وام را تسريع بخشیده اند. از سوي ديگر، طي دوره بحران مالي، اين همبستگي زياد مشهود نيست. مطالعات بيشتري براي بررسي اين که آيا رفتار بانک ها با توجه به استفاده از رويکرد هاي اعطاي وام براي مديريت سرمايه و درامد لازم مي باشند.

این مقاله، از سری مقالات ترجمه شده رایگان سایت ترجمه فا میباشد که با فرمت PDF در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در صورت تمایل میتوانید با کلیک بر روی دکمه های زیر از سایر مقالات نیز استفاده نمایید:

لیست مقالات ترجمه شده ✓

لیست مقالات ترجمه شده رایگان ✓

لیست جدیدترین مقالات انگلیسی ISI ✓

سایت ترجمه فا ؛ مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده از نشریات معتبر خارجی